

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال چهاردهم، شماره چهل و دوم، بهار ۱۳۹۷

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۱/۲۴

تاریخ تصویب: ۹۷/۰۲/۰۹

صفحات: ۵۷ تا ۸۲

تلاش ایران برای استقلال از انگلستان در سیاست خارجی در دوران رضا شاه

بر اساس الگوی چرخش نقش قدرت

دکتر حمیدرضا سعیدی نژاد*

استاد یار علوم سیاسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

دکتر جلال میرزایی

استادیار علوم سیاسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان

چکیده

برخلاف دوران پیش از رضا شاه که دو قدرت روس و انگلیس نقش تعیین کننده در شکل گیری و جهت دهی به سیاست خارجی ایران را داشتند، سیاست خارجی ایران در عصر رضا شاه در تمامی ابعاد تلاش برای کسب استقلال از قدرت های بزرگ به ویژه انگلستان بود. در باب چرایی این مساله فرضیه این مقاله آن است که افزایش سطح قدرت ملی ایران در مجموع در آن مقطع، لاجرم نقش موثرتر و فعال تر و مستقل تری در سیاست خارجی را نیز طلب می کرد، که نهایتاً تلاش بازیگر نوظهور یعنی ایران عصر رضا شاه برای ایفای نقش جدید، منجر به تنش در روابط ایران با کشور هژمون (انگلستان) گردید. به زعم نگارنده با بهره گیری از نظریه چرخش قدرت، نقش "چارلز دوران" بهتر می توان این سوال مهم تاریخ دیپلماسی ایران را پاسخ گفت. همچنین روش تحقیق در این مقاله روش توصیفی - تحلیلی با استناد به داده های تاریخی است.

کلید واژه: قدرت ملی، نقش، سیاست خارجی، استقلال طلبی.

* نویسنده مسئول، ایمیل: saeedinezhad@iauksh.ac.ir

برخلاف تصور عامه مردم مبنی بر توهم توطئه که آن هم عمدتاً محصول فرهنگ سیاسی عصر قاجار و تاثیر اندیشه‌های چپ در ایران بوده است اسناد و مدارک تاریخی گویای آن است که رضاشاه نه تنها مهره دست نشانده انگلستان نبوده بلکه برعکس، سیاست خارجی رضا شاه در طول ۱۶ سال پادشاهی و چهار سال پیش از آن، نشان دهنده تلاش بی وقفه دیپلماتیک از سوی ایران برای قطع دست دراز انگلستان در سیاست‌های ایران است. در خصوص پیشینه این تحقیق نیز لازم به ذکر است که عمده منابع موجود در این خصوص بر خلاف مقاله حاضر، سیاست خارجی دوران رضا شاه را در امتداد دوران پیش از آن نگاه می‌کنند و دولت انگلستان را همچنان عامل اصلی تعیین جهت‌گیری سیاست خارجی ایران عصر رضا شاه می‌دانند. از محدود آثاری که نوشته حاضر همسو با آن است می‌توان به کتاب ارزنده روابط ایران و انگلیس در دوره رضا شاه از علی اصغر زرگر اشاره نمود که آن هم برخلاف مقاله حاضر صرفاً توصیفی است و نه تحلیلی. در واقع این مقاله مدعی است که تنها اثری است که اولاً به دنبال ریشه‌یابی دلایل تغییر جهت‌گیری سیاست خارجی ایران از وابستگی به سوی استقلال در عصر رضا شاه است و دوماً اولین نوشته‌ای در این خصوص است که تلاش نموده این مساله را بر اساس الگوی نظری چارلز دوران یعنی تئوری قدرت نقش بررسی نماید.

۱. نظریه چرخش قدرت، نقش^۱

"چالز دوران" معتقد است که رشد یا زوال قدرت ملی کشورها کلیدی برای فهم وقوع جنگ‌های بین‌المللی است او می‌گوید هنگامی که دولت‌ها با چرخش غیر منتظره‌ای در تغییر مسیر و میزان قدرتشان مواجه می‌شوند در معرض شوک‌های روانی گوناگون قرار می‌گیرند که این مساله وقوع جنگ‌های عمده را افزایش می‌دهد. کانون اصلی و ثقل توجه به این نظریه از لحاظ محتوایی تعادل میان دو عنصر مهم یعنی قدرت ملی از یک سو و نقش و جایگاه یک کشور در عرصه سیاست خارج از سوی دیگر است. (Doran and ather^۱: ۲۰۰۹، ۷)

۱. Power Cycle theory

۲. Charles Doran

_____ تلاش ایران برای استقلال از انگلستان در سیاست خارجی در دوران رضا شاه

به عبارتی به زعم چارلز دوران، نقش هر بازیگر در سیاست خارجی تابعی از توان و قدرت ملی اوست، از این منظر افزایش قدرت ملی از یک طرف و محدودیت‌های موجود از سوی سیستم بین‌المللی برای پذیرش نقش جدید توسط آن بازیگر و تلاش بازیگر برای پر کردن این فاصله و به دست آوردن نقش جدید از سوی دیگر از عوامل تنش‌های بین‌المللی در طول تاریخ بوده است. (ibid، ۲۸).

این نظریه تلاش دارد مبنای تحلیلی برای رفتار دولت‌ها در طول دوره‌های مشخص تاریخی را پیدا نماید. هر دولت در زمان دستیابی به بزرگترین موفقیت‌هایش بر جایگاه‌های جدید فراتر از سیستم رانده می‌شود. فراز و نشیب‌های تاریخی به طور ناگهانی در شکل غیر منتظره بر خلاف این روند تغییر یافته و جابجا می‌شود. تجزیه و تحلیل چرخه قدرت هم یک درک روشن از چنین جابجایی‌های ساختاری و هم ادراک خاصی در خصوص طرز فکر دولتمردان را بررسی می‌نماید. از منظر این تئوری پیش‌بینی‌های سیاست خارجی یک دولت با تغییر چرخه قدرت آن دولت مرتبط است. در بالاترین قسمت از منحنی قدرت، افزایش قدرت به مالکیت بیشتر نقش منجر می‌شود گرچه سیستم و هژمون تمایلی برای واگذاری نقش جدید به بازیگر نوظهور و مدعی جدید ندارد و برعکس در پایین‌ترین قسمت منحنی نیز وضعیتی قابل مشاهده است که براساس آن نقش بر قدرت پیشی می‌گیرد. (Doran، ۲۰۰۲) برای دولت‌های وابسته دشوار است که از نقش پیشین جدا شده و از وابستگی به هژمون منفک شود و عهده‌دار نقش‌های جدید گردند که البته هزینه‌بردار و بعضاً تنش‌زا است.

از منظر این تئوری تلاش دولت‌ها برای ایفای نقش‌های موثرتر و جدید در عرصه سیاست خارجی نتیجه رشد قدرت ملی بازیگران در ابعاد مختلف داخلی نظیر توسعه اقتصادی، توسعه اراضی، افزایش جمعیت و ... می‌باشد. (Lai، ۲۰۰۸: ۵)، شاخص‌هایی همچون قابلیت اقتصادی مصرف انرژی، تولید آهن و فولاد، میزان جمعیت شهری، قابلیت نظامی و امنیتی. مخارج نظامی، پرسنل نظامی سرانه مخارج نظامی را می‌توان به عنوان شاخص‌های ارزیابی قدرت ملی یک کشور بررسی نمود (فنی زاده، شفیع، ۱۳۹۱: ۱۴۳). از آنجا که برداشت از قدرت از منظر این نظریه عموماً مادی است لذا تا حد زیادی قابلیت اندازه‌گیری، مقایسه و کمی‌سازی را دارد.

قدرت ملی هر کشور تابع مجموعه‌ای از توانمندی‌های داخلی آن کشور است و افزایش قدرت ملی هر بازیگر ضرورتاً به افزایش نقش آن بازیگر در سیاست خارجی و تلاش برای کسب جایگاه بهتر سیستم منطقه‌ای یا بین‌المللی منجر خواهد شد. از سویی دیگر مطالبات و تلاش

های بازیگر نوظهور برای کسب جایگاهی بالاتر در سیستم منطقه‌ای یا بین‌المللی در برخورد با جایگاه سایر قدرت‌ها و بویژه کشور هژمون می‌تواند به سه شکل زیر منجر شود.

(۱) توسل به قوه قهریه و اقدام نظامی از سوی کشور یا کشورهای هژمونی عنوان یک اقدام پیشگیرانه در مقابل کشور نوظهور.

(۲) ایجاد ائتلاف گسترده به منظور تعدیل قدرت بازیگر جدید

(۳) پذیرش جایگاه نقش بازیگر نوظهور (مظاهری، ۱۳۸۸: ۸۱).

گرچه چالز دوران این نظریه را برای تعیین تغییرات در سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ و تحلیل ریشه‌های تنش در روابط بین‌الملل به کار برده است اما به نظر می‌رسد این تئوری قابلیت تبیین تغییر جهت‌گیری سیاست خارجی کشورهای کوچکتر و قدرت‌های منطقه‌ای و نه لزوماً جهانی را نیز دارا می‌باشد. از این منظر بهتر می‌توان درک نمود که چگونه در دوران رضا شاه افزایش سطح قدرت ملی ایران در مجموع به تبع نوسازی داخلی موجب تلاش ایران برای تغییر نقش و جایگاه سیاست خارجی از یک کشور وابسته و ضعیف به سمت کسب نقشی مستقل و مقتدرتر در سیستم منطقه‌ای شد که نهایتاً این تلاش ایران موجب تنش در روابط با کشور هژمون یعنی انگلستان را به دنبال داشت.

۲. افزایش قدرت ملی ایران در دوران رضا شاه

قدرت ملی ایران در دوران رضاشاه نسبت به دوران قاجار در مجموع افزایش قابل توجهی داشت. شاخص‌های قدرت ملی یک کشور عموماً شامل عناصری همچون ۱- رهبری، ۲- وضعیت نظامی و ارتش ملی ۳- ثبات سیاسی و پلیس داخلی ۴- اقتصاد ۵- نظام منسجم اداری و قضایی ۶- آموزش ۷- سیستم حمل و نقل و ۸- توسعه صنعتی می‌شود (plano: ۱۹۹۸). در ادامه هر کدام از شاخص‌های بالا را در مقطع ایران عصر رضا شاه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

مهمترین خدمات سردار سپه ایجاد وحدت ملی ایران بود، ایرانی که تا پیش از ظهور او در عرصه سیاست تقریباً از هم پاشیده و تجزیه شده بود. حاکمیت دولت مرکزی احمد شاه فراتر از تهران نبود و در تمام ایالات ایران حکومت‌های خود مختار عشایر مختلف سر از اطاعت دولت مرکزی برتافته بودند. پروژه خلع سلاح و سرکوب خان‌های ایل‌های بزرگ ایران کاری بس دشوار بود که طی چند سال اول رضا خان با اقتدار موفق به انجام آن گردید. سرکوب میرزا کوچک خان در گیلان و مازندران، محمد تقی خان پسیان در مشهد، اسماعیل آقا سمیتقو در

_____ تلاش ایران برای استقلال از انگلستان در سیاست خارجی در دوران رضا شاه

آذربایجان، والی پشتکو در لرستان، خان‌های بختیاری در مرکز، قشقای‌ها در جنوب، کلهر و سنجابی در کرمانشاه و از همه مهم‌تر شیخ خزئل در خوزستان از جمله اقدامات مهم سردار سپه در راستای اتحاد و وحدت ملی ایران بود که تمامی رجال سیاسی ایران، را وادار نمود در مقابل سردار سپه سر تعظیم فرو آورند. و قلم به دستان و روشنفکران را به تجلیل و ستایش او ترغیب نمود. (ن.ک. آبراهامیان، ۱۳۷۹:۱۳۴۰) استفانی کرونین می‌گوید: «تا سال ۱۳۰۱ رضا خان به عنوان یگانه شخصیت قدرتمند دوران ارتش ایران سر برآورد و قادر بود قیافه منجی ملت را به خود بگیرد (اتابکی، ۱۳۸۵: ۱۴۲) واقعیت آن است که منبع قدرت رضاخان تنها ارتش نبود و در کنار آن پایگاه مردمی رضاخان نیز عامل مهمی بود. آبراهامیان می‌گوید: «هر چند رضاخان قدرت خود را در اصل به ارتش استوار ساخت، جلوسش به تخت سلطنت بدون پشتیبانی چشمگیر مردم کشور چندان صلح‌آمیز نبوده (آبراهامیان، پیشین ۱۰۸-۱۰۹)

سردار سپه از طریق جذب بودجه و اعتبارات بیشتر در طی سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ علاوه بر افزایش تسهیلات و امکانات نظامی ارتش بر تعداد نفرات آن نیز بسیار افزود بطوری که تعداد کادر ثابت ارتش در ابتدای سلطنت رضا شاه از پنج لشکر و ۴۰ هزار نفر در ۱۳۲۰ به ۱۸ لشکر و ۱۵۰ هزار نفر بالغ گردید (ایوانف، ۱۳۵۶: ۶۸)

رضا شاه هم زمان برای توسعه نیروی هوایی نیز تلاش نمود. او با خرید ۱۰۰ فروند هواپیمای جنگی و تاسیس مدرسه هواپیمایی به تدریج نیروی هوایی را سامان داد. (همان) و همزمان یک ستاد هنگ مستقل به مدیریت یک سرگرد سوئدی ایجاد نمود. همچنین نیروی هوایی از سال ۱۳۱۴ با ایجاد هنگ هوایی مشهد- اهواز- تبریز و دوشان تپه گسترش بیشتری یافت. همچنین در کنار آن اقدام به تاسیس کارخانه هواپیمایی شهپاز نمود به طوری که در سال ۱۳۲۰ نیروی هوایی دارای ۲۸۳ هواپیما بود (عاقلی: ۲۰۲، ۲۰۶). در کنار آن البته به نیروی دریایی هم توجه شد، در سال ۱۳۱۱ با خرید دو ناوشکن و چهار کشتی توپدار از ایتالیا و افزون بر آن یک هنگ مکانیزه با صد تانک و چند ناوچه (آبراهامیان: پیشین، ۱۲۴) نیروی دریایی جدید ایران در خلیج فارس پایه‌گذاری شد. (خلیلی خو، ۱۳۷۳: ۱۳۷)

یکی دیگر از ستون‌های قدرت رضا شاه در کنار تاسیس ارتش ملی مدرن تاسیس سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی جدید بود که با اتکا به آنها توانست نظم و امنیت را در داخل کشور برقرار نماید و پروژه وحدت ملی ایران را تکمیل نماید. نظام اطلاعاتی امنیتی که پیش از این فقط بخش کم اهمیت‌تری از تشکیلات حیطه فعالیت نظمیه و شهربانی بود در دوره

رضاشاه گسترش چشمگیری یافت و حیطة عمل آن فعالیت شهربانی را تحت شعاع قرار داد و آن را تابعی از سیاست‌های کلی عملیاتی و اجرایی خود ساخت. (حکیمیون، ۱۳۸۶: ۷۷) به فاصله کمی بعد از کودتا فرماندهان سوئدی نظمیة کنار گذاشته شدند و افسران وطنی مورد اعتماد رضا خان جایگزین آنان گردیدند. مجموعاً ۶ نفر پس از عزل سوئدی‌ها تا پایان حکومت رضا شاه به ریاست شهربانی رسیدند. در نتیجه این تحولات شهربانی کشور به مثابه یک بازوی اجرایی نیرومند دولت رضا شاه را در قامت لویتان هابز به نمایش گذاشت. دولتی که با اعمال حاکمیت مشروع، توانایی برقراری نظم و امنیت ملی را دارد.

از نظر اقتصادی درآمد ملی ایران نیز البته، به تبع افزایش هزینه‌ها، افزایش یافت. بودجه دولت از ۲۴۵ میلیون ریال در سال ۱۳۰۴ به ۴/۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۲۰ یعنی ۱۸ برابر افزایش یافت. هزینه (آبراهامیان، پیشین، ۱۳۵). بین سال‌های ۱۲۹۸ تا ۱۳۰۵ ارزش درآمدهای نفتی به دو برابر رسید (katovzian: ۱۹۸۱، ۹۳) و البته این سیر صعودی در سال‌های بعد هم ادامه یافت. از طرفی تعرفه‌های بالا و بهبود تجارت پس از نابسامانی‌های جنگ جهانی اول، درآمد گمرکات را از ۹۱ میلیون ریال به ۴۲۱ میلیون ریال افزایش داد. مالیات بر درآمد با دسترسی حکومت مرکزی به شهرستان‌ها افزایش یافت. در سال ۱۳۲۰ به مبلغ ۲۸۰ میلیون ریال رسید. درآمد دیگر دولت انحصار بر برخی کالاهاى خاص بود که برای اولین بار درآمد سالیانه بالغ بر ۱/۲ میلیارد ریال را برای دولت به همراه داشت (آبراهامیان، پیشین، ۱۳۶).

حکومت رضا شاه همچنین در راستای نوسازی سیستم کهنه اداری ایران، اقدامات مهمی انجام داد و با بوروکراسی مدرن دولتی مصدر نظم نوینی در ایران گردید و بتدریج مجموعه غیر رسمی مستوفیان قدیم، میرزاهای موروثی و وزیران مرکز نشین فاقد اداره در استان‌ها را به صورت ۹۰ هزار کارمند تمام وقت دولتی در ۱۰ وزارتخانه کشور امور خارجه، دادگستری، فرهنگ، بازرگانی، پست و تلگراف، کشاورزی، راه و صنایع درآورد (همان، ۱۲۵). تقسیمات ایالات و ولایات از بین رفت و به جای آن کشور به ۱۱ استان، ۴۹ شهرستان و بخش‌ها و دهستان‌های متعدد تقسیم شد. اداره استان به استاندار، شهرستان به فرماندار و بخش به بخشدار واگذار شد.

در ادامه در بخش سیستم قضایی کشور هم تحولات عمیق و مهمی اتفاق افتاد. علی اکبر داور وزیر دادگستری وقت لایحه قانون مدنی جدید ایران را در ۹۵۵ ماده که برگرفته از سیستم حقوقی فرانسه و همچنین شریعت اسلام بود به مجلس ارائه داد و به تصویب رسانید (پیتر آوری: جلد ۲، بی تا، ۶۹). طبق سیستم جدید قضایی ایران قضاوت از انحصار روحانیون درآمد.

_____ تلاش ایران برای استقلال از انگلستان در سیاست خارجی در دوران رضا شاه

همچنین قضات و کارمندان اداره دارایی لباس متحدالشکل شدند. در ادامه تا ۱۳۲۰ بالغ بر ۱۲۰ لایحه قانونی دیگر توسط دولت رضا شاه و به مجلس برای تصویب ارائه گردید. از جمله مهمترین آنها که تحول مهمی در کشور بود ثبت نهایی املاک مزروعی و مستغلات در دفاتر دولتی به موجب قانون ثبت عمومی املاک مصوب ۱۳۰۶ بود.

در حوزه آموزش نیز رضا شاه مصدر تحولات عمیقی شد و یک نظام نوین تعلیم و تربیت را در سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۰۹ پایه‌گذاری نمود (کدی، ۱۳۶۹: ۱۵۲). از ۱۳۰۴ مکتب خانه‌های قدیمی با توسعه مدارس جدید تعطیل و روحانیون از آموزش رسمی حذف گردیدند در ۱۳۱۲ قانون تاسیس دانشگاه به تصویب رسید و طی آن دانشگاه تهران با ۸۸۶ دانشجو شروع به کار نمود. در سال ۱۳۲۰ این تعداد دانشجو به ۳۵۰۰ نفر رسید. در دوران رضا شاه تعداد دانش آموزان مدارس ایران به حدود ۶ برابر (۵۶ هزار نفر به ۲۸۷ هزار نفر) افزایش یافت. تعداد دانشجویان نیز افزایش حدود ۶ برابری را در طی ۱۶ سال نشان می‌دهد. همچنین سالیانه به یکصد نفر دانشجو نیز بورس تحصیلی در اروپا اعطا می‌شد (آبراهامیان، پیشین، ۳-۱۳۲).

در بخش توسعه حمل و نقل و ارتباطات نیز تحولات مهمی رخ داد. تا اوایل قرن بیستم فقط ۱۳۰۰ کیلومتر جاده موجود بود (خلیلی خو، پیشین: ۱۷۴). در دوران رضا شاه این مقدار به ۲۴۰۰۰ کیلومتر رسید. مجموعه وسایل نقلیه از ۱۲۰۰ دستگاه در سال ۱۳۰۰ به ۳۱ هزار دستگاه در سال ۱۳۲۰ رسید. زمان حمل کالا از بوشهر تا تهران از ۳۰ روز به ۳ روز تقلیل یافت. ارسال محمولات پستی با اتومبیل سه بار سریعتر از دلیجان‌های قدیمی صورت گرفت. کرایه حمل بار از سال ۱۳۰۳ تا ۱۳۰۵، از ۳۰ تا ۴۰ درصد و بین سال‌های ۱۳۰۶ و ۱۳۱۶، ۷۵ درصد تنزل یافت (همان، ۱۷۵). در ۱۳۰۵ دکل ۱۲۰ متری بی سیم پهلوی و در ۱۳۱۹ رادیو تهران فرستنده رادیویی برای عموم تاسیس گردید. راه آهن سراسری به طول ۱۴۰۰ کیلومتر با ایجاد ۱۲۷ تونل در مسیر جنوب و ۸۵ تونل و ۱۰۶ پل در شمال بعد از ۱۱ سال در خرداد ۱۳۱۶ به بهره برداری رسید (همان، ۱۷۸).

در حوزه توسعه صنعتی و تجاری نیز اتفاقات مهمی صورت گرفت تا پیش از رضا شاه ایران فقط دو کارخانه نخ ریسی داشت (همان، ۱۷۹). نخستین کارخانه بافندگی در ۱۳۰۴ احداث شد و در ادامه ۸ کارخانه چرم‌سازی دیگر و نیز تعداد کارخانه جوراب بافی، کبریت‌سازی و ریخته‌گری احداث شد. به طوری که تعداد واحدهای جدید صنعتی بدون محاسبه تاسیسات نفتی در دوره سلطنت رضا شاه تا ۱۷ برابر افزایش یافت. تعداد کارخانه‌های صنعتی از عدد ۲۰ در سال ۱۳۰۴

به عدد ۳۴۶ در سال ۱۳۲۰ رسید. در نتیجه طبقه کارگر صنعتی جدید از هزار نفر در سال ۱۳۰۴ به ۵۰ هزار نفر در سال ۱۳۲۰ رسید. (آبراهامیان، پیشین: ۱۳۴). برآیند تمامی این تحولات عمیق در طول دو دهه، تاریخ ایران ۱۳۰۰ الی ۱۳۲۰ افزایش قدرت ملی ایران در مجموع بود. طبیعتاً این افزایش قدرت ملی ایران در همه ابعاد یک برون‌داد مهم داشت و آن ثبات و نظم و امنیت و اعتماد به نفس و احساس قدرتمندی بیشتر نسبت به اوضاع آشفته ایران در پیش از این تاریخ بود. طبیعتاً این ثبات و نظم و امنیت داخلی هر چند با اعمال خشونت پیش نیاز آن قدرت ملی بود که بتواند کنش جهت‌گیری سیاست خارجی کشور را از وابستگی و انفعال در مقابل قدرت‌های بزرگ بویژه انگلستان به سمت یک سیاست خارجی فعال و مستقل و معطوف به تامین حداکثری منافع ملی متحول سازد. تحول مهمی که در سیاست خارجی حکومت رضا شاه به تبع این تحولات داخلی اتفاق افتاد و موجب بروز تنش در روابط با کشور هژمون (انگلستان) گردید.

۳. تلاش برای ایفای نقش جدید در سیاست خارجی: استقلال، اقتدار

رضاخان همواره مواضعی اتخاذ می‌نمود که نه تنها هیچ قرابتی به خواسته‌ها و منافع انگلستان نداشت بلکه بیشتر در جهت عکس خواسته‌های انگلستان بود به نحوی که این مواضع و اقدامات، اکنون از یک منظر دور و کلان، بیشتر از آن که نظریه انگلیسی بودن رضاخان را به ذهن متبادر نماید ضد انگلیسی بودن او را تایید می‌کند. دستگاه دیپلماسی ایران در دوران رضا شاه این رویه را تا ۱۳۲۰ در مقابل انگلستان ادامه داد و در برخی موضوعات و چالش‌های حساس بمانند موضوع نفت حتی تا آستانه خطر حمله نظامی انگلیس به ایران نیز پیش رفت. حتی گرایش رضا شاه به آلمان نیز به عنوان نیروی سومی که می‌تواند به استقلال ایران در مقابل انگلستان یاری نماید نیز همانگونه که گفته خواهد شد در آن مقطع نماد تلاش هر چند ناموفق ایران برای رسیدن به استقلال و ایستادگی در مقابل زیاده‌خواهی‌های انگلستان بود. اهم مصادیق این سیاست استقلال طلبی ایران عصر رضا شاه به قرار زیر است:

- مطالبات انگلستان:

از جمله مسائل و تنش‌های عمده دیگر میان دولت رضاخان و انگلستان موضوع ادعای انگلستان مبنی بر مطالبات مالی از ایران بود (بایگانی اسناد وزارت امور خارجه س ۱۳۰۶ ش، ک ۳ پ ۵)، دولت انگلستان زمانی که مشاهده کرد دولت‌های بعد از کودتا تا حدود زیادی برخلاف

_____ تلاش ایران برای استقلال از انگلستان در سیاست خارجی در دوران رضا شاه ۵

دولت‌های قبلی در جهت منافع ملی انگلستان حرکت نمی‌کنند روز به روز بر فشار خود بر آن‌ها به انحاء مختلف افزود. در قضیه مطالبات نیز انگلستان مدعی شد که دولت ایران مبلغ گزاف ۴/۵۴۹/۲۰۰ لیره به انگلستان بدهکار است. (بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، س ۱۳۰۶-ک ۳، پ ۵ ص ۶) در این صورت حساب کلان تهدیداتی که متوجه منافع انگلستان در ایران بود مساعدت‌هایی که در خلال جنگ به دولت ایران شده بود رشوه‌هایی که انگلیسی‌ها به تعدادی از والیان برخی ایالات (نظیر فرمانفرما در فارس) اختصاص داده بودند و همچنین مبالغی که انگلستان به آن دسته از اتباع انگلیسی که در ایران احياناً به تشخیص انگلستان متحمل خساراتی شده بودند را شامل می‌شد.

پس از فشارهای دولت انگلستان و اعتراض مصدق (مکی، ۱۳۵۸: ۱۵۲) و اعمال محدودیت‌های دولت انگلستان بر ایران (بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، س ۱۳۰۱ ش، ک ۵۱، پ ۳). نهایتاً این مسأله در ۱۹۳۳ به این صورت حل شد که دولت ایران پذیرفت تنها همان مبلغ ۴۹۰/۰۰۰ لیره که ایران به عنوان وام گرفته بود را به دولت بریتانیا پرداخت نماید. (زرگر، ۱۳۷۲: ۱۷۴)

- انحلال پلیس جنوب:

این نیروها در مارس ۱۹۱۶ (۱۲۹۵ ش) در میانه جنگ جهانی اول بوسیله انگلستان در جنوب ایران تشکیل شد، و رسالت آن در اصل حفظ و حراست از منافع انگلستان در وضعیت ضعف حکومت احمد شاه بود. شرح مطالب و ستمگری‌های پلیس جنوب در شهرهای جنوب ایران، بسیار طولانی است. (جعفری، ۱۳۸۳: ۱۵۷) این نیروها از آنجا که تحت فرماندهی افسران و سربازان انگلیسی و هندی اداره می‌شد از دولت انگلستان فرمان می‌گرفت. لذا از منظر افکار عمومی ایرانیان یک نیروی اشغالگر محسوب می‌شد که هیچ قرابتی با آرمان‌های ملی گرایانه آنها در چارچوب گفتمان استقلال طلبی نداشت. اما تا قبل از ظهور رضاخان دولت مرکزی توانایی انحلال این نیروهای شبه اجنبی در خاک ایران را نداشت در این راستا رضاخان پلیس جنوب و گاردهای مخصوص سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های خارجی را رسماً منحل کرد. (مهدوی، پیشین، ۲۴)

- سرکوب شیخ خزعل:

شیخ با حمایت انگلستان حکومت خودمختاری تشکیل داده بود و قراردادهای خودسرانه با کنسول‌های بریتانیا یا عمال شرکت نفت ایران انگلیس می‌بست و کوچکترین بهایی برای احمد شاه و حکومت تهران قائل نبود. (شیخ الاسلامی، ۱۳۶۹: ۳۶) در ۱۹۱۷ در مراسمی علنی به خزعل مدال همایونی بریتانیا اهدا شد و از آن پس او را سرشیخ خزعل نامیدند. در همین زمان کاکس حتی پیشنهاد داد که بریتانیا رسماً عربستان [خوزستان] را بگیرد و آنرا جزو خاک عراق نماید. (همان، ۳۵۶. بایگانی اسناد وزارت امور خارجه س ۱۳۰۱، ک ۵۲، پ ۳) در ۱۹۱۹ انگلستان مقدار زیادی تسلیحات نظامی از جمله ۳۰۰۰ قبضه تفنگ نو، مهمات، چهار توپ صحرائی، یک کشتی بخار، و توپ‌هایی برای مراسم سلام نظامی طی مراسمی به خزعل هدیه داد (بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، ۱۳۰۱، ک ۳، پ ۲۹). از این زمان خوزستان بدون هیچ مذاکره و توافقنامه‌ای از سوی تهران، علناً از ایران جدا شد و تحت الحمایه انگلستان گردیده بود خزعل با وجود ثروت بیکران که از راه سهام نفتی، و حتی اجاره بهای زمین‌هایی که در اختیار شرکت نفت ایران - انگلیس بود و همچنین تعرفه‌های گمرگی و تجارت و... اندوخته بود اما علناً به پشتوانه انگلستان علم طغیان در برابر تهران برافراشته بود و از ۱۲۹۲ هیچگونه مالیاتی به تهران نمی‌داد. وضعیت بگونه‌ای بود که نمایندگان ایران در آن ایالت بارها به دولت تهران گزارش داده بودند که اگر قدرت خزعل سرکوب نشود «عربستان در ظرف چند سال بدست انگلیسی‌ها می‌افتد. (همان، ۳۵۵)

رضاخان با همه خطراتی که در پیش بود آماده سرکوبی خزعل گردید و لذا این تصمیم او سریعاً موج اعتراضات انگلستان علیه تهران را برانگیخت در ۲۰ اردیبهشت ۱۹۲۳ کرزن به لورین پیام تهدید علیه رضاخان فرستاد. (همان، ۱۱۱)

رئیس پالایشگاه آبادان آرنولد ویلسن^۱ نیز گزارش داد که: «سردار سپه سخت مخالف هرخانی است که دوست دولت بریتانیاست». و کرزن چند ماه بعد به لورین هشدار داد که «ارتش ملی [رضاخان] برای از میان بردن دوستان ما درست شده است» (غنی: پیشین، ۲۸۸) هنگامی که رضاخان بسمت خوزستان براه افتاد اعتراض بریتانیا به کرات توسط کنسول‌های انگلیس در اصفهان و شیراز به اطلاع رضاخان رسید. چمبرلین^۲ وزیر خارجه جدید انگلیس دستور

۱. Arnold Wilson

۲. A. Chamberlain

_____ تلاش ایران برای استقلال از انگلستان در سیاست خارجی در دوران رضا شاه^۵ داد طی دو یادداشت شدیدالحن بصورت یک اولتیماتوم به دولت ایران هشدار داده شود. از جمله در این یادداشت‌ها تهدید شده بود خزعل تحت الحمایه بریتانیاست و تهران نباید به حوزه حکمرانی او تجاوز کند (شیخ الاسلامی، ۱۳۶۹: ۳۷) و همچنین اگر دولت ایران به شیخ اصرار ورزد دولت اعلیحضرت پادشاه بریتانیا این حق را برای خویش محفوظ می‌دارد که در پیروی از ضمانت‌هایی که به شیخ داده شده هر اقدامی که مقتضی بدانند اتخاذ نماید (زرگر: پیشین، ۱۱۸) لورین رضا خان را متهم کرد که:

از شکیبایی ما سو استفاده می‌کند هر چه به او میدان دهی بیشتر پیش می‌رود باید به او گفت که نمی‌تواند همه چیز داشته باشد. رضاخان از سکوت و خویشین‌داری بریتانیا بهره‌جویی می‌کند، حال که بر مسند کار سوار است ... منافع انگلیس را نادیده می‌گیرد (غنی، ۱۳۷۷: ۳۲۲) ای جی پیل،^۳ کنسول اهواز حامی جدی خزعل تبلیغات و فعالیت‌های زیادی برای برکناری «رضاخان ضد انگلیسی از کار» انجام داد. پریدو^۴ کنسول انگلیس در بوشهر و کاکس^۵ کمیساریای عالی بریتانیا در عراق از حامیان جدی خزعل بودند. برای دفاع احتمالی از خزعل، لورین درخواست ارسال یک گردان سپاه و سه ناوچه توپ دار از هندوستان به منطقه کرد، که پیرو این درخواست سه ناوچه توپ دار به بصره آمدند و یکی از آنها در آبادان موضع گرفت.

رضاخان در جواب قاطعانه سخنانی بر زبان راند که یک قرن بود جامعه ایران تشنه شنیدن آن بود: رضاخان (در پاسخ به لحن تهدید آمیز سخنان جسورانه کنسول انگلیس در شیراز که با تهدید و ارباب رضاخان قصد جلوگیری از ادامه راه او به سمت اهواز داشت) اظهار نمود: من هرگز زیر بار دخالت کشورهای خارجی نمی‌روم در غیر این صورت قادر نیستم استقلال کشورم را حفظ کنم، شیخ خزعل یک نفر رعیت ایران است و فقط زمامداران ایران می‌توانند او را تنبیه کنند یا ببخشند. (رضاشاه، ۱۳۰۳: ۵۳-۴۷)

این سخنان رضاخان «مبنی بر اینکه حکومت ایران قصد دارد راه خود را برود و انگلستان و سایر کشورها باید خود را با واقعیات جدید وفق دهند» به تعبیر دکتر غنی «در حکم نوعی اعلام استقلال بود که چندین ده سال بود بر لب هیچ مقام بالای ایرانی نیامده بود». (غنی: پیشین،

۳. E.G.Peel

۴. Prideaux

۵. Sir Percy Cox

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و دوم، بهار ۱۳۹۷

۲۹۲) دکتر غنی می‌گوید: «از لحظه‌ای که رضاخان وزیر جنگ شد پیوسته یک حرف زده بود: ایران باید کشوری مستقل شود و اتباعش متکی به کشور دیگری نباشد.» (همان، ۳۰۵)

سپس بطور حتمی به لورین فهماند که ایران [از این به بعد] بریتانیا را کشوری دوست به شمار می‌آورد، ولی رفتاری که با آن می‌کنند همانند دیگر کشورهای دوست خواهد بود نه بهتر نه بدتر. (همان، ۳۲۵-۳۲۴)

نهایتاً بعد از سرکوب شیخ خزعل رضاخان برای این استان زر خیز ایران یک استاندار سرتیپ زاهدی مشخص نمود و خزعل هم مدتی بعد به تهران منتقل شد و تا زمان مرگ ۱۳۱۵ تحت نظر بود. (لورین: ۱۳۶۳ و سترانک: ۱۳۰۴-۱۲۷۶-۱۹۲۵-۱۸۹۷ و تیرائیان: ۱۳۸۵)

- لغو کاپیتولاسیون و قراردادهای گمرکی:

ریشه امتیازها کاپیتولاسیون در ایران از معاهده ترکمانچای ۱۲۰۷ش (۱۸۲۸) با روسیه شروع شد و بعد از آن بنابر اصل قراردادهای کامله الوداد به کشورهای اروپایی دیگر (فرانسه اسپانیا) و بویژه انگلستان (در عهدنامه صلح ۱۲۳۶ ش (۱۸۵۷) و قرارداد تجاری ۱۲۸۲ش (۱۹۰۳)) این امتیاز اعطا شد (بیگدلی، ۱۳۸۳: ۲۵-۴۲). با لغو امتیاز کاپیتولاسیون در ایران از روسیه در عهدنامه‌ی مودت ۱۹۲۱ زمینه‌ای فراهم شد تا ایران از موقعیت استفاده کرده و بقیه امتیاز کنسولی را ملغی نماید (بایگانی اسناد وزارت امور خارجه س ۱۳۰۶ش، ک ۲۱ پ ۱۹). در ۶ اردیبهشت ۱۳۰۶ش رضا شاه فرمان لغو امتیاز کاپیتولاسیون را صادر کرد. (بایگانی اسناد وزارت امور خارجه س ۱۳۰۶ش، ک ۳۱ پ ۱۹- ص ۱۲) ولی دولت بریتانیا حاضر نبود بپذیرد که با لغو امتیاز کنسولی شوروی مبنای حقوقی امتیاز انگلستان نیز در این مورد در ایران زیر سوال می‌رود. بنابراین انگلستان با بی توجهی به لغو معاهده ترکمانچای خواستار تداوم وضعیت موجود بود مگر آن که نظام مذهبی سنتی قضایی ایران متحول شده و مطابق با نظام حقوقی اروپا گردد. اما این مشکل نیز به زودی حل شد و در ۵ اردیبهشت ۱۳۰۶ش رضاشاه در مراسم افتتاح محاکم جدید هدف قطعی خود را الغاء کاپیتولاسیون اعلام داشت. (بایگانی اسناد وزارت امور خارجه س ۱۳۰۶ش، ک ۳۱ پ ۱۹- ص ۱۷) جدا از آنکه انگلستان در آن موقع مهم‌ترین قدرت حاضر در منطقه خلیج فارس و ایران بود، بیشتر از هر کشور دیگری در ایران تبعه نظامی و غیر نظامی داشت. به همین دلیل همانگونه که پیش‌بینی می‌شد آن کشور به راحتی زیر بار نرفت و (بایگانی اسناد وزارت امور خارجه س ۱۳۰۶ش، ک ۱۳ پ ۱۹ ص ۱۹-۲۰).

_____ تلاش ایران برای استقلال از انگلستان در سیاست خارجی در دوران رضا شاه

مساله استقلال گمرکی نیز از جمله مواردی بود که همانند حق حاکمیت حقوقی ایران بر وضعیت اتباع خارجی مقیم کشور سالها بود که از دست رفته بود و اکنون در همان اولین سال های سلطنت رضا شاه و همزمان با بحث کاپیتولاسیون توسط دولت در حال پیگیری بود. سالها بود که روسیه در شمال و انگلستان در جنوب وضعیت گمرکات ایران را در انحصار خود گرفته بودند. ولی اکنون زمان آن فرارسیده بود که ایران می‌بایست بر نظام گمرکی خویش کنترل پیدا می‌کرد و وضعیت گمرکی خود را متناسب با نیازهای اقتصادی خودش بنا می‌کرد. به همین خاطر در ۱۳۰۶ دولت ایران مقررات گمرکی جدیدی برای خود در ارتباط با کشورهای دیگر وضع نمود. (زرگر: پیشین، ۱۹۱)

در پاسخ به درخواست ایران کلایو^۱ (وزیر مختار انگلستان در ایران) اظهار داشت: اگر دولت بریتانیا با تعرفه‌های جدید موافقت نماید این امر به مثابه امتیازی از سوی آنان تلقی خواهد شد. آن هم در زمانی که دولت ایران خود برای حل و تسویه هیچ یک از مشکلات موجود فی ما بین تمایل نشان نداده است. دولت ایران نباید انتظار داشته باشد که ما در حالی که چیزی در عوض دریافت نمی‌داریم با امری موافقت کنیم و این برای ایران هم سنگ استقلال گمرکی خواهد بود. (همان، ۱۹۳-۱۹۲)

نهایتاً بعد از تهدیدات زیاد از سوی انگلستان در طی مذاکرات طولانی و مفصل کلایو با تیمورتاش در تاریخ ۲۰/ اردیبهشت ۱۳۰۷ انگلستان هم لغو امتیاز کاپیتولاسیون و هم استقلال گمرکی ایران را پذیرفت متقابلاً ایران با پرواز خطوط هوایی لندن - هندوستان بر فراز سواحل جنوبی ایران موافقت نمود. (بایگانی اسناد وزارت امور خارجه س ۱۳۰۷ش، ک ۴۶ پ ۷۱ ت ۲۲) (بایگانی اسناد وزارت امور خارجه س ۱۳۰۸ش، ک ۱۲ پ ۱۹/۱۵ ص ۷۴):

به این ترتیب با تلاش و سماجت بالاخره ایران موفق شد از راه‌های نفوذ استعمار انگلستان بر ایران دو راه مهم را سد نماید و دولت انگلستان را مجبور نمود که از حقوق متعارف خود در باب کاپیتولاسیون و تعرفه‌های گمرکی دست بکشد و این نیز بعد از قدم‌های قبلی دو گام مهم دیگر به سمت استقلال ایران بود

۱. Robert Clive

– منازعات دیپلماتیک در خلیج فارس:

ایران همزمان با کنار رفتن قاجار و آغاز دوران پهلوی بطور آگاهانه سیاست‌هایی در جهت زیر سوال بردن برتری بریتانیا در خلیج فارس اتخاذ کرد. از جمله این موارد طرح مجدد و مصمم ادعای دیرینه بر بحرین، ابوموسی، تنب کوچک و بزرگ، جزیره با سعیدو و ... از سوی ایران بود که باعث بروز چالش‌ها و مذاکرات دیپلماتیک طولانی مدتی (۱۳۰۷ تا ۱۳۱۳) میان تیمورتاش از طرف ایران و سفیر انگلستان گردید و روابط ایران و انگلستان را در مقطعی با تیرگی شدید روبرو ساخت. در طول سلطنت رضا شاه برخورد منافع ایران و انگلستان در منطقه خلیج فارس روابط متقابل آن‌ها را به شدت تحت الشعاع خود قرار داده بود بویژه که دولت رضاشاه مصمم بود که به هر شکل ممکن سیاست فعالانه‌تری در خلیج فارس در پیش گیرد. (فرهمند، ۱۳۸۴: ۲۳۲) و این مساله خواه ناخواه با سیطره انحصاری انگلستان بر خلیج فارس که بیش از یک قرن از آن می‌گذشت برخورد پیدا می‌نمود. (Ramazani: ۲۲۲۷، ۱۹۷۲)

تا این تاریخ (سلطنت رضا شاه) دولت ایران قادر به کنترل و اعمال حاکمیت بر آب‌های ساحلی، دریای سرزمینی، جزایر و بنادر خود در خلیج فارس نبود و تنها دولت بریتانیا بود که به دور از چشم دولت مرکزی تهران از این مناطق به سود خود استفاده می‌نمود. به عنوان کشتی‌های جنگی آن دولت مکرراً برای سوخت‌گیری به جزیره آبادان آمده و از بندر بوشهر بازدید کردند. حال دولت ایران مصمم شده بود که به این وضع ناگوار پایان دهد. حاکمیت خود را بر کل کشور و آب‌های ساحلی خلیج فارس نیز گسترش دهد و در این زمینه حقوقی مشابه دیگر کشورها بدست آورد.

از جمله مسائل مهم دیگری که در همین ایام به اختلافات میان انگلستان و ایران در جنوب دامن زد. تحریک مردم جنوب (قشقایی‌ها و بختیاری‌ها) توسط انگلیسی‌ها برای شورش علیه تهران بود. (بایگانی اسناد وزارت امور خارجه س ۱۳۰۸ ش، ک ۱۹ پ ۱۰۱)

در ۱۸ خرداد ۱۳۰۸ تیمورتاش با ارسال نامه شدیداً انگلستان را بخاطر قاچاق اسلحه به جنوب ایران محکوم نمود ولی در نهایت مشخص شد که این دو موضوع فشار ایران برای اعمال حاکمیت خود بر آب‌های ساحلی جنوب و قضیه شورش عشایر جنوب بهم مرتبطاند به عبارتی انگلستان از شورش عشایر جنوب به عنوان اهرم فشاری علیه تهران در مقابل فشار تهران بر انگلستان در قضیه ضرورت کسب مجوز کشتی‌های جنگی انگلیسی برای ورود به آب‌های ایران استفاده می‌کند (بایگانی اسناد وزارت امور خارجه س ۱۳۰۷ ش، ک ۵۳ پ ۶).

_____ تلاش ایران برای استقلال از انگلستان در سیاست خارجی در دوران رضا شاه

مساله مورد اختلاف بعدی میان ایران و انگلستان در حوزه خلیج فارس در این زمان اختلاف نظر درباره جزایر با سعیدو و هنگام بود. (گنج بخش زمانی، ۱۳۸۴: ۲۳۲) اما انگلستان بعداً با کمی عقب‌نشینی حاضر شد در قبال حق استفاده از پایگاه دریایی هنگام به مدت پنجاه سال از حقوق خود در با سعیدو صرف‌نظر کند. نهایتاً تیمورتاش که تلاش می‌کرد همه چیز را قانونی و شفاف نماید با استفاده انگلستان از هنگام به مدت بیست سال در قبال اجاره مشخص موافقت نمود و از سوی دیگر با وجود برخوردار شدن ایران از یک نیروی دریایی کوچک در این زمان (چند ناوچه توپدار) انگلستان احساس خطر بیشتری کرده نهایتاً ترجیح داد پایگاه خود را در سال ۱۳۱۴ به بحرین منتقل نماید. این عقب‌نشینی تا حدودی بیانگر کاهش قدرت انگلیس در سواحل ایران و برعکس افزایش اقتدار ایران در این حوزه بود. (بایگانی اسناد وزارت امور خارجه س ۱۳۰۳ ک ۵۱ پ ۱۷). (بایگانی اسناد وزارت امور خارجه س ۱۳۰۱ ک ۵۱ پ ۴ پ ۱۷). کرزن به لورین گفت:

صرفاً آنکه اجازه داده شود قدرت درجه سومی چون ایران موقعیت مسلط دولت بریتانیا را در خلیج فارس زیر سوال برد می‌توانست اعتبار وجهه بریتانیا را خدشه دار سازد. (همان، ۲۴۸)

در ۳۰ اردیبهشت ۱۳۰۶ انگلستان طی معاهده تجدید دوستی با عربستان از بحرین به عنوان جزئی از سرزمین‌های تحت الحمایه خود نام برد و متعاقباً ایران در اول آذرماه طی نامه مفصلی به بریتانیا و جامعه ملل اعتراض نمود. (بایگانی اسناد وزارت امور خارجه س ۱۳۰۷ ک ۵۳ پ ۱۷ و همچنین س ۱۳۰۸ ک ۱۳ پ ۱۶/۳۹ صص ۳۰۰ و ۳۰۱) و چمبرلین وزیر امور خارجه در پاسخ مفصل خود (۷ صفحه) اعلام نمود دلیل موجهی مبنی بر تایید ادعای مالکیت ایران بر بحرین وجود ندارد (بایگانی اسناد وزارت امور خارجه س ۱۳۰۸ ک ۱۳ پ ۱۶/۳۹ صص ۲۸۹ الی ۲۹۵ و همچنین س ۱۳۰۶ ک ۵۳ پ ۱). در حالی که عمده استدلال‌ات ایران در این خصوص بر محور پیوندهای تاریخی ایران و بحرین و همچنین اذعان انگلیسی‌ها در گذشته به این مساله بوده است. و در نهایت با قطع مذاکرات ۱۳۰۹ (۱۹۳۰) (بایگانی اسناد وزارت امور خارجه س ۱۳۰۸ ک ۱۳ پ ۱۶/۱۳ صص ۳۰۲) مساله بحرین نیز چون مسائل بسیار دیگری تا ۱۳۵۰ (۱۹۷۱) لاینحل باقی ماند.

از جمله دیگر اختلافات ایران و انگلستان در حوزه خلیج فارس در مورد وضعیت حقوقی جزایر تنب و ابوموسی بود. این جزایر نیز از جمله موضوعات قدیمی محل اختلاف طرفین بود. (اقتداری: ۱۳۸۴، ۱۱۳ - ۱۰۱ و بایگانی اسناد وزارت امور خارجه س ۱۳۰۵ ک ۵۳ پ ۲۳) در ۳-

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و دوم، بهار ۱۳۹۷

۱۹۱۲ با نصب فانوس دریایی توسط انگلستان در تنب مجددا ادعاهای ایران مطرح شد. در دوره رضاشاه در مرداد ۱۳۰۴ و همچنین ۱۳۰۷ مجددا این مساله مطرح شد (دیهیم، ۱۳۶۸: ۸۸) و کلیه اتباع قطر و امارات باید تبعه ایران تلقی شده و از گذرنامه ایرانی برخوردار گردند. و در پاسخ انگلستان نیز ادعا کرد در صورت ضرورت به زور مانع از تصرف جزایر سه گانه توسط ایران خواهد شد. از ۱۳۱۵ تا پایان سلطنت رضاشاه این نیز همچون مساله بحرین لاینحل باقی ماند. و مذاکرات طولانی و چند ساله تیمورتاش با انگلستان از ۱۳۰۴ تا ۱۳۰۹ بدون نتیجه به پایان رسید (مهدی قلی خان، ۱۳۲۹: ۳۹۵)

- مساله عراق:

بدنبال فروپاشی امپراتوری عثمانی پس از جنگ جهانی اول، کشور عراق، با مجوز جامعه ملل در ۲۷ آوریل ۱۹۲۰ تحت تیمومیت انگلستان درآمد (احمدی، ۱۳۶۹: ۱۷۴) و جانشین دولت عثمانی در ادامه اختلافات مرزی با ایران گردید. از ژانویه ۱۹۲۱ سلطه انگلستان بر عراق با شورش‌ها و اعتراضات مردم عراق بویژه بخش‌های کردنشین و شیعه نشین جنوب عراق تحت رهبری روحانیون شیعی، به چالش کشیده شد، داستان اخراج رهبران شیعی عراق (فرهمند، ۱۳۸۳: ۱۸۹) و پذیرش آن‌ها توسط رضاخان در ایران که خود موجبات نارضایتی و ناخشنودی دولت انگلستان را فراهم آورد.

بر اساس معاهده عراق و انگلیس در مهر ۱۳۰۱ (۱۹۲۲) وضعیت روابط انگلستان با عراق در چارچوب سیستم قیمومیت جامعه ملل معین شد. (احمدی، ۱۳۶۹: ۱۷۳) در این موقعیت شناسایی عراق توسط ایران به عنوان همسایه مهم عراق می‌توانست کمک بزرگی به موفق نشان دادن انگلیسی در آن کشور از منظر جامعه ملل باشد در حالی که ایران شناسایی عراق را منوط به برآورده شدن خواسته‌ها و مطالبات دولت ایران می‌دانست اهم این خواسته‌ها عبارت بودند از:

- برابری حقوق قضایی اتباع ایرانی با دیگر اتباع خارجی در عراق (کوهستانی نژاد، ۱۳۸۳: ۳۵)

- به رسمیت شناختن حق مالکیت ایران بر نیمی از اروندرود (هاتف، ۱۳۷۱: ۹۳)
در سال‌های ۱۳۰۲ تا ۱۳۰۷ مذاکرات متعددی در تهران بغداد و لندن با مقام‌های بریتانیایی در این خصوص انجام گرفت اما انگلیسی‌ها به بهانه ممنوعیت هرگونه تغییر در

_____ تلاش ایران برای استقلال از انگلستان در سیاست خارجی در دوران رضا شاه^۱

مرزهای عراق مندرج در قانون اساسی آن کشور و نیز در منظر شورای جامعه ملل - با مداخلات در واقع غیرقانونی و زور مدارانه خود در جریان مذاکرات مانع از رسیدن دو کشور ایران و عراق به توافقی در این خصوص شدند. انگلستان تلاش می‌کرد همواره به عنوان یک عضو همیشگی و ناظر در مذاکرات عراق و ایران حضور داشته باشد. و وزارت خارجه عراق نیز از این مساله حمایت می‌کرد. (گنج بخش زمانی، ۱۳۸۳: ۲۷۳-۲۳۳) وزیر خارجه ایران در همین زمان در پاسخ به توقع انگلستان برای حضور نامشروع در تمامی مذاکرات ایران و عراق می‌گوید:

نمی‌دانم به چه حق و با کدام دلیل دولت انگلستان توقع می‌کند در کاری که منحصراً مربوط به ایران و عراق است مداخله نموده و در عقد قرارداد فی مابین یا اداره شط العرب، مثل صاحب حقی، شرکت نماید. (جعفری والدانی، ۱۳۶۷: ۱۷۹)

نهایتاً تلاش چند ساله ایران برای احقاق حقوق ملی خود در ارون رود با مانع انگلستان نتوانست به نتایج قطعی و مفیدی دست یابد. هر چند نهایتاً در اردیبهشت ۱۳۰۸ مهدی قلی هدایت نخست وزیر وقت با ارسال نامه‌ای، حکومت عراق را مورد شناسایی قرار داد. (کوهستانی نژاد، ۱۳۸۳: ۲۱۳-۲۲۷).

- دعوی نفت:

کنترل انگلستان بر نفت ایران به عنوان مهم‌ترین منبع ثروت ملی بر منبای «یک بهای اعلام نشده و حجم مشخص نشده‌ای از نفت» بتدریج در زمان رضاشاه، تبدیل به نقطه اوج سلطه و مداخله اجنبی در ایران گردیده بویژه اکنون با شروع دوران سلطنت رضاشاه و در متن گفتمان استقلال‌طلبی و ظهور ملی‌گرایی ایران پذیرش چنین مساله‌ای بسیار دشوار می‌نمود. ایرانیان اکنون در اداره شرکتی که رکن اصلی در آمد ملی آن‌ها را تامین می‌نمود سهم بیشتر و سود بالاتری طلب می‌کردند.

با آغاز دوران سلطنت پهلوی مجدداً بحث ادعاهای ایران این بار با جدیت بیشتری پیگیری شد و در آذرماه ۱۳۰۵ پس از چند سال آرامش، سکوت و آتش‌بس چند ساله میان ایران و شرکت نفت ایران انگلستان، با ارسال نامه اعتراض کمیسر دولت ایران در شرکت نفت (میرزا عیسی خان فیض) به سرجان کدمن^۱ شکست و و منازعه دیپلماتیک بر سرنفت میان ایران و

۱. Cadman

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و دوم، بهار ۱۳۹۷

شرکت [بخوانید انگلستان] دوباره آغاز گردید. ضمن اینکه در چارچوب گفتمان استقلال طلبی، مطبوعات نیز هرچند گاهی موضوع نفت را دوباره زنده کرده و به اجحاف شرکت در حق ایران اعتراض می‌کردند.

در آبان ۱۳۰۷ رضاشاه طی سخنان شدید اللحنی خطاب به شرکت نفت اعلام نمود:
اولیای شرکت نفت باید بدانند که دولت و ملت ایران از امتیاز نامه داری راضی نیست و باید هر چه زودتر امتیاز جدیدی که منافع ایران را به نحور کامل تامین نماید تنظیم گردد...
ایران نمی‌تواند بیش از این تحمل کند که عواید سرشار نفت آن به جیب بیگانگان برود و خود از آن محروم باشد. (فاتح: پیشین، ۲۸۶)

نهایتاً در جو ضد انگلیسی که در مجلس و مطبوعات ایران پیش آمده بود (روزنامه شفق سرخ ادربیهشت ماه ۱۳۱۰ و روزنامه اطلاعات ۲۸ تیر ۱۳۱۱) در جلسه هیات دولت مورخ ۵ آذر ۱۳۱۱ رضاشاه با پاره کردن قرارداد داری موج جدید از تخاصم و منازعه ایران انگلستان را بوجود آورد. ۲ روز بعد در ۷ آذر ۱۳۱۱ شرکت نفت طی یادداشتی با اعتراض شدید و خشونت آمیز، الغای امتیاز داری را از توسط کمیته فرعی ستاد فرماندهی ارتش بریتانیا در خلیج فارس را مورد بررسی قرار داد و از طریق سفیر خود در تهران پیام اعتراضی شدید دولت انگلستان را به ایران اعلام نمود. (زرگر: پیشین، ۳۰۱)

بریتانیا برای توجیح اقدامات آتی احتمالی خود (و همچنین نگرانی از واکنش شوروی) زودتر از ایران به جامعه ملل شکایت برد، و متعاقباً ایران برای اقدامات خود استدلالاتی ارایه نمود (بایگانی اسناد وزارت امور خارجه س ۱۳۰۸ ک ۱۳ پ ۱۶/۳۹ ص ۲۸۱ الی ۲۸۸) نهایتاً بنا به تصمیم شورای جامعه ملل طرفین پذیرفتند که مجدداً مذاکرات را از سر گیرند. (بایگانی اسناد وزارت امور خارجه، س ۱۳۰۸ ک ۱۳ پ ۱۶/۳۹ ص ۲۵۳ الی ۲۶۰) فشار انگلستان بر ایران از راه‌های مختلف از جمله با ایجاد بلوا و شورش در مناطق مختلف ایران از جمله بلوچستان. (بایگانی اسناد وزارت امور خارجه س ۱۳۰۷ ک ۵۲ پ ۳)، کردستان (بایگانی اسناد وزارت امور خارجه س ۱۳۰۹ ک ۲۱ پ ۸۸) و همچنین تهدید به توسل به زور و خطر اشغال خوزستان ایران همچنین موضع محکم‌تر و نفوذ بیشتر انگلستان در جامعه ملل (بایگانی اسناد وزارت امور خارجه س ۱۳۰۸ ک ۱۳ پ ۱۶/۳۹ تا ۱۸ / ژانویه ۱۹۳۲ صص ۲۳۶ الی ۲۴۶) مجموعاً باعث شد که رضاشاه در مذاکرات خود با کدمن تا حد زیادی بویژه در خصوص تمدید اعتبار قرارداد، به یکباره نرمش و انعطاف بیشتری نشان دهد. (شیخ الاسلامی: پیشین، ۲۴۲-۲۳۸) و نهایتاً باعث

_____ تلاش ایران برای استقلال از انگلستان در سیاست خارجی در دوران رضا شاه

شد که قرارداد نفتی جدید در ۱۹۳۳ شکل بگیرد. با شروع جنگ دوم جهانی دوم (۶ سال بعد) و درگیر بودن انگلستان در جنگ، رضاشاه موقعیت را مغتنم شمرد و طلب حداقل سالیانه ۴ میلیون لیره را از شرکت نمود و شرکت را مجبور به پرداخت نمود. وزیر مختار انگلستان پس از آن که مبلغ مورد نظر را به وزارت خارجه ایران پرداخت نمود ابراز داشت: «خوب این پول را به همان نحوی که خواستید از ما گرفتید اما یادتان باشد که ما عمل شاه را هرگز فراموش نمی‌کنیم و روزی تلافی خواهیم کرد. (زرگر: پیشین، ۲۳۶)

به همین ترتیب از ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۱ رضاشاه با اعمال فشار بر شرکت سالیانه ۳ تا ۴ میلیون لیره مرتب از شرکت می‌گرفت. تقی زاده در خاطراتش از مذاکرات نفتی درباره کینه انگلیسی‌ها از رضاشاه بعد از کنار رفتن او از پادشاهی می‌گوید:

فریزر [مقام وزارت خارجه انگلستان] گفت: نمی‌دانید از دست این مرد [رضاشاه] چه کشیده ایم، هنوز از دلم خون می‌رود، ما را کشت و خفه کرد، تا روزی که قدرت داشت تمام شرایطش را به ما تحمیل کرد... رضاشاه آنقدر پول اضافی به زور از ما گرفته که اگر تا چند سال دیگر حق السهمی هم به شما ندهیم باز طلبکاریم. (همان)

مبارزه ایران در دعوی نفت با انگلستان، قدم مهم دیگری در راستای احقاق حقوق تزیع شده و ملی برای تأمین حداکثر منافع ملی و استقلال کشور و تلاش برای ایفای نقش جدید از سوی ایران به عنوان کشوری مستقل و مقتدر بود.

- چالش‌های دیگر:

در سال‌های میانی سلطنت رضاشاه (۱۳۱۲-۱۳۰۹) وضعیت روابط خصومت بار و منازعه آمیز میان ایران و انگلستان تا آستانه قطع روابط دیپلماتیک پیش رفته بود. حکومت رضا شاه اکنون وارث حقوق ملی تزیع شده‌ای از ایران بود که در طول بیش از یک قرن پادشاهی سلسله قاجار، توسط انگلستان به تاراج رفته بود و اکنون کارگزاران حکومت رضاشاه در تلاش برای عودت و اکتساب مجدد آن‌ها بودند و صحنه دیپلماسی ایران و انگلستان را به یک جنگ سرد واقعی تبدیل نموده بود. پرفسور روح اله رضانی می‌گوید:

هدف اصلی سیاست خارجی شاه آن بود که مملکت را از لحاظ سیاسی و اقتصادی از تسلط خارجی برهاند. وی اعلام داشت که هر گونه وابستگی و تبعیت از مقامات خارجی باید فوراً و برای همیشه خاتمه یابد. در واقع این بیان دقیقی از ناسیونالیسم او بود.

ایران اکنون تعریف جدیدی از خود داشت، هویت جدید ایران بعنوان کشوری باستانی، مستقل و مقتدر که همپای دیگر کشورهای دنیاست، باوری بود که در اذهان عمومی و نخبگان سیاسی کشور نهادینه شده بود. دکتر نقیب زاده می‌گوید:

کسانی که می‌پندارند رضا خان سر سپرده انگلیسی‌ها بود با منطق قدرت و سیاست بیگانه اند اگر چنین وابستگی وجود می‌داشت دلیلی بر آن همه تعارض و تشنج در روابط ایران و انگلستان وجود نداشت (نقیب زاده، ۱۳۸۳: ۱۳۸).

حتی سیاست‌های داخلی رضاشاه از جمله اسکان و خلع سلاح عشایر نیز بر خلاف خواسته و منافع انگلستان بود. از فردای پس از کودتای ۱۲۹۹، مهم‌ترین هدف رضاخان - آن چیزی که در عمل ثابت شد ایده «وحدت ملی ایران» بود، که به عنوان یک آرمان بلند همه میهن دوستان ایران تلقی می‌شد. (سعیدی نژاد، ۱۳۸۸: ۱۵۹-۱۳۵) در راستای این هدف مهم رضاشاه با حکومت‌های محلی در افتاد و تلاش بی وقفه‌ای را برای سرکوب عشایر و ایلات متمرکز و خلع سلاح آنها آغاز نمود. ارتباط این مساله با انگلستان، آنجا بود که، دولت انگلیس از قدیم‌الایام در ایران پایگاه‌های سنتی نفوذ خود را، بر ارتباط نزدیک با قبایل و روسای عشایر مهم ایرانی بنا کرده بود، اکنون در اواسط سلطنت رضاشاه، کشور یکپارچه شده و وحدت ملی حاصل گردیده است. اکثر سران ایلات متمرکز ایران یا در زنداند، یا فرار کرده‌اند و یا تسلیم شده اند. اکنون انگلستان در ایران برخلاف یک قرن گذشته بال و پر شکسته است و بسیاری از زمینه های سنتی نفوذ خود را در ساختارهای سیاسی ایران از دست داده است.

از طرف دیگر در نیمه دوم دهه ۱۳۱۰ گرایش ایران به آلمان به عنوان نیروی سوم روز به روز باعث تنزل جایگاه سنتی انگلستان (در چهارچوب سیاست دلجویی سیاست انگلستان از آلمان (Plano: ۱۹۸۸، ۲۵۰) در تجارت خارجی ایران شده بود. ایران در این دوران، بخش اعظم درآمد نفتی خود را به خرید کالا از آلمان اختصاص می‌داد و این اصلاً برای انگلیس خوشایند نبود. طبق آمار سهم بریتانیا در بازرگانی ایران در فاصله سال‌های ۱۹۳۱-۲ تا ۱۹۳۹-۴۰ به نحو روز افزونی در حال کاهش بود. بطوری که سهم بریتانیا در کل واردات ایران در سال ۲۹-۱۹۲۸ که ۳۸/۴ درصد بود، تنها در طول ۴ سال بعد (۳۳-۱۹۳۲) به رقم ۲۸/۴ و ۷ سال بعد (۴۰-۱۹۳۹) به رقم قابل تأمل ۷/۷ درصد تنزل یافت (زرگر: پیشین ۳۳۳) تنها در کمتر از دو دهه دولت انگلستان شاهد از دست دادن جایگاه سنتی خود در تجارت خارجی بود و بجای

_____ تلاش ایران برای استقلال از انگلستان در سیاست خارجی در دوران رضا شاه
انگلستان آلمان بازار ایران را تصاحب کرده بود، از جمله به عنوان مثال آلمان در بین سال‌های ۱۳۱۷ (۱۹۳۸) تا ۱۳۲۰ (۱۹۴۱) حدود ۹۰ درصد از احتیاجات تسلیحاتی و قریب ۸۰٪ درصد از نیازهای صنعتی ایران را تامین می‌نمود، به عبارتی آلمان در بین سال‌های ۲۰-۱۳۱۷ انحصار فروش محصولات صنعتی نظامی دارویی و الکترونیکی را در ایران در اختیار داشت. از طرفی آلمان و ژاپن وارد کننده تقریباً ۹۰ درصد از محصولات پنبه ایران بودند. به تدریج این وضعیت نیز به ناخشنودی انگلستان از سیاست‌های ایران افزود و موجبات عصبانیت بیشتر انگلستان از رضاشاه را فراهم آورد. (ازغندی، ۱۳۷۹: ۸۰-۷۶)

از جمله اقدامات دیگر ایران در همین راستا، لغو امتیاز انحصاری چاپ و انتشار اسکناس و اوراق بهادار و سایر امتیازات از بانک سلطنتی انگلیسی [بانک شاهی] در سال ۱۹۳۰ (۱۳۰۹) بود. از مدت‌ها قبل بانک شاهنشاهی با وجودی که یک بانک انگلیسی بود ولی عملاً از موقعیت و اختیارات یک بانک دولتی برخوردار بود، بانک شاهنشاهی نه تنها اسکناس انتشار می‌داد بلکه حساب‌های بانکی دوایر دولتی را نیز در دست داشت. در حالی که این بانک، موسسه‌ای تجاری بود و منافع زمامداران آن و دولت بریتانیا را بر منافع محلی ایران ترجیح می‌داد. بنابراین از دیدگاه ایرانیان - در چارچوب گفتمان استقلال طلبی - تأسیس یک بانک ملی جهت رهایی ایران از تسلط بانک انگلیس کاملاً ضرورت داشت لذا دولت نهایتاً بر پرداخت غرامت سنگینی ۲۰۰/۰۰۰ لیره و به انگلستان، دست انگلیسی‌ها را از نظام بانکی ایران کوتاه کرد. (زرگر: پیشین، ۲۳۹).

بنابراین مجموعه شرایط و مشکلات متعددی که در طول نزدیک به دو دهه از سوی دولت رضاشاه و برای انگلستان ایجاد شده و مجموعاً موجب کاهش نفوذ سنتی انگلیسی‌ها در ایران شد آن چنان موجبات خشم و کینه انگلیسی‌ها از رضاشاه را برانگیخته بود که به بهانه جنگ و حمایت رضاشاه از آلمان نهایتاً آن‌ها، رو در بایستی را کنار گذاشته و با اقدام به قوه قهریه و مداخله نظامی آشکار در ایران، موجبات برکناری رضاشاه را فراهم آوردند. به نحوی که حتی قبل از اولین اخطار انگلیس و شوروی به دولت ایران بنابر اعتراف چرچیل (در تیر ۱۳۲۰) نقشه حمله به ایران طراحی شده بود. (چرچیل، ۱۳۶۱: ۲۳۹-۲۳۳).

- نتیجه گیری:

همانگونه که مشاهده شد از فردای کودتای ۱۲۹۹ و با قدرت گرفتن رضاخان اقداماتی که او انجام می‌داد به دلایل مختلف بر خلاف منافع و مصالح انگلستان بود، رضاشاه به عنوان وارث حقوق ملی از دست رفته ایرانیان در طول چند دهه گذشته مصمم بود به انحاء مختلف قصور پادشاهان گذشته ایران را جبران نموده و این حقوق را دوباره باز پس گیرد. این اهداف بلند رضاشاه بیشترین تداخل و چالش‌ها را طبیعتاً با انگلستان داشت چرا که انگلستان در آن مقطع به عنوان کشور هژمون بیشتر از هر کشور دیگری در ایران نفوذ و سلطه و منافع و امتیازات داشت. به جرات می‌توان ادعا نمود که پیش‌انرژی دیپلماتیک ایران در دوران رضاشاه صرف چالش با انگلستان بر سر باز پس‌گیری حقوق تضییع شده ایران گردید. برخلاف دوران قاجار - که انگلستان در ایران فعال مایشاء بود و کمتر در مورد صحت این وضعیت تردیدی میام دولتمردان ایرانی وجود داشت - اکنون الگوی کنش سیاست خارجی ایران بکلی عوض شده، به نحوی که اکنون سیاست خارجی معطوف به منافع ملی، کسب استقلال، حفاظت از تمامیت ارضی کشور و حفظ پرستی و اقتدار ملی در مقابل قدرت‌های بزرگ است. و البته این راه میسر نبود مگر به پشتوانه افزایش قدرت ملی ایران که در طول دو دهه گام‌های بلندی در این عرصه برداشته شده بود. چرخش ایران برای ایفای نقشی جدید در عرصه سیاست خارجی یعنی استقلال و اقتدار بجای وابستگی و انحطاط در سیستم منطقه‌ای و جهانی، محصول و برونداد افزایش قدرت ملی در داخل بود که نهایتاً واکنش منفی کشور هژمون یعنی انگلستان را در پی داشت. این واکنش در پایان به تنش و حمله نظامی هژمون به ایران در شهریور ۱۳۲۰ برای حفظ وضع موجود و استمرار سیستم پیشین منجر گردید.

منابع:

- آتابکی، تورج (۱۳۸۵)، **تجدد آمرانه جامعه و دولت در عصر رضاشاه**، ترجمه مهدی حقیقت خواه؛ ققنوس.
- احمدی، حمید (۱۳۶۹)، **ریشه‌های بحران در خاورمیانه**، تهران، کیهان.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۷)، **روابط خارجی ایران ۵۷-۱۳۲۰**، قومس، چاپ هشتم.
- اقتداری، احمد (۱۳۸۴)، **نگاهی بر اسناد حاکمیت ایران بر جزایر تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی**، تاریخ روابط خارجی، شماره ۲۲.
- ایوانف میخائیل، سرگوییچ (۱۳۵۶)، **تاریخ نوین ایران**، ترجمه هوشنگ تیزابی و حسن قائم پناه، بی جا، حزب توده.
- آبراهامیان، پرواند (۱۳۷۹)، **ایران بین دو انقلاب**، از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ترجمه کاظم فیروزمند و دیگران، نشر مرکز، چاپ سوم.
- آوری، پیتیر (بی تا)، **تاریخ معاصر ایران جلد دوم از تاسیس تا انقراض قاجاریه**، ترجمه محمد رحیمی مهدی آبادی، تهران عطایی.
- بیگدلی، علی (۱۳۸۳)، **فرایند شکل گیری کاپیتو لاسیون و لغو آن در ایران**، تاریخ روابط خارجی، شماره ۱۸.
- جعفری والدانی، اصغر (۱۳۶۷)، **بررسی تاریخی اختلافات مرزی ایران و عراق**، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- جعفری، فریبا (۱۳۸۳)، **پلیس جنوب، پیگیری اهداف انگلستان، مشکلات مادی و معنوی ملت ایران**، تاریخ روابط خارجی، (شماره ۱۸).
- چرچیل، ونیستون (۱۳۶۱)، **خاطرات جنگ جهانی دوم**، ترجمه تورج فرازمنند، تهران، انتشارات نیل، جلد سوم.
- حکمیون، اقبال (۱۳۸۶)، **سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی ایران تا پایان دوره رضاشاه**، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

- ۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و دوم، بهار ۱۳۹۷
- خلیلی خو، محمدرضا (۱۳۷۳)، توسعه و نوسازی ایران در دوران رضاشاه، تهران، جهاد دانشگاهی واحد شهید بهشتی.
- دیهیم، علیرضا (۱۳۶۸)، تاریخ روابط خارجی ایران در عصر رضاشاه (پهلوی اول)، رساله ارتقاء مقام، تهران کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه.
- زرگر، علی اصغر (۱۳۷۲)، تاریخ ایران و انگلیس در دوره رضاشاه، ترجمه کاوه بیات، تهران، انتشارات پروین - انتشارات معین.
- سترانک، ویلیام تئودور (۱۳۸۵)، حکومت شیخ جابر و سرکوب شیخ نشین خوزستان، بررسی عملکرد امپریالیسم بریتانیا در جنوب غربی ایران (۱۳۰۴-۱۲۷۶-۱۹۲۵-۱۸۹۷)، ترجمه صفاء الدین تبرائیان، تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- سعیدی نژاد، حمیدرضا (۱۳۹۰)، گفتمان مشروطیت و تاثیر آن بر روابط خارجی ایران دانشنامه حقوق و سیاست، شماره ۱۵ بهار و تابستان.
- سعیدی نژاد، حمیدرضا (۱۳۸۸)، بازنگری کودتای ۱۲۹۹: آیا کودتا توطئه انگلیس بود؟، دانشنامه حقوق و سیاست، شماره ۱۱ بهار و تابستان.
- سیروس، غنی، (۱۳۷۷)، ایران برآمدن رضا شاه بر افتادن قاجار نقش انگلیسی‌ها، ترجمه حسن کامشاد، تهران، نیلوفر.
- شفیعی، نوذر، عبدالمحمد قلی زاده (۱۳۹۱). تئوری سیکل قدرت و نقش رهیافتی نوین در تحلیل پوشش قدرت در نظام بین‌الملل، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی ش ۳۲.
- شیخ الاسلامی، جواد (۱۳۶۹)، افزایش نفوذ روس و انگلیس در ایران عصر قاجار، تهران انتشارات کیهان.
- عاقلی، باقر (۱۳۷۷)، رضا شاه و قشون متحد الشکل ۱۳۲۰-۱۳۳۰، تهران نشر نارمک.
- فاتح، مصطفی (۱۳۸۵)، پنجاه سال نفت ایران، تهران، انتشارات پیام، چاپ دوم.

- _____ تلاش ایران برای استقلال از انگلستان در سیاست خارجی در دوران رضا شاه ۵
- فرهمند، علی (۱۳۸۳)، *تبعید علمای ایرانی از عراق و پیامدهای آن (دهه ۱۹۲۰)*، تاریخ روابط خارجی، شماره ۱۹ تابستان.
- فرهمند، علی (۱۳۸۳)، *انگلیس و پروژه ایران‌زدایی از خلیج فارس*، تاریخ روابط خارجی، شماره ۲۲.
- کدی، نیکی آر (۱۳۶۹)، *ریشه‌های انقلاب ایران ترجمه عبدالرحیم گواهی*، تهران، انتشارات قلم.
- کوهستانی نژاد، مسعود (۱۳۸۳)، *روابط ایران و عراق در نیمه نخست سده بیستم (از ابتدا تا شناسایی عراق توسط ایران، ۱۳۰۸/۱۹۲۹)*، تاریخ روابط خارجی، شماره ۱۹، تابستان.
- کوهستانی نژاد، مسعود (۱۳۸۳)، *مکاتبات عبدالحسین تیمورتاش و رابرت کدربو وزیر مختار بریتانیا در تهران در شناسایی نهایی عراق و ... (۸-۱۹۲۸-۹/۱۳۰۷)*، روابط خارجی ایران (شماره ۲۱، زمستان).
- گنج بخش زمانی، محسن (۱۳۸۳)، *نقش انگلیس در انعقاد معاهده سرحدی ۱۹۳۷ (ایران و عراق)*، تاریخ روابط خارجی، شماره ۱۹ تابستان.
- گنج بخش زمانی، محسن (۱۳۸۴)، *پیروزی ایران بر انگلیس در نبرد با سعیدو*، تاریخ روابط خارجی، شماره ۲۲ بهار.
- لسانی، ابوالفضل (۱۳۵۷)، *طلای سیاه یا بلای ایران*، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم.
- مکی، حسین (۱۳۵۸)، *زندگانی سیاسی سلطان احمد شاه قاجار*، تهران امیرکبیر.
- نجاری راد، تقی (۱۳۸۷)، *ساواک و نقشی آن در تحولات داخلی رژیم پهلوی*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- نقیب زاده، احمد (۱۳۸۳)، *جامعه شناسی بی طرفی و روانشناسی انزوگرایی در تاریخ دیپلماسی ایران*، تهران، مرکز خدمات و اسناد پژوهشی.
- هاتف، محمود (۱۳۷۱)، *روابط ایران و عراق و مساله ارون رود*، تهران، پازنگ.
- Doran Charles and others (۲۰۰۹) *power cycles or power shift*
publisher: washington DC.

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و دوم، بهار ۱۳۹۷

- Doran.Charles.۲۰۰۰. confronting the principles of the power cycle : changing systems structure, Expectations and war. In handbook of war studics II.Edited by manus I. Midlarsky.

- Homa.katouzian.the political Economy of modern Iran :Destpotism and pseudo-modernism.

۱۹۲۶-۱۹۷۹(London:Mcmillan۱۹۸۱)

- Jack C .Plano , Roy Olton , The International Relation Dictionary ,(Western Michigan University Longman ,۱۹۸۸) Fourth Edition ,

- Lai. David (۲۰۱۱) the united state and china in power transition: publisher: strategic studies institue book.

- Ramazani. R.K, Persian Gulf: Iran's Role Charlottesrille (University Press of Virgiina ۱۹۷۲)

- Ramazani.R.k. The Forigin Policy of Iran .A Development Nation in World Affair ۱۵۰۰-۱۹۴۱(Charlottesville .University Press of Virginia ۱۹۶۶)